



۲۰۱۸/۰۴/۰۳

صلاح الدین سعیدی

قواعد و اصول سرچیه!

مقتدی به مقتدا می گوید که چه کند و چه نه کند؟

مرید به پیر هدایت داده که چه کند و چه نه کند؟

قرار اظهارات سید اسحاق گیلانی: مریدانش برای وی هدایت داده اند که به عدالت حاضر نه شود.

یکی اخلاقیات که در آن محکمه وجدان و دیدگاه جامعه حاکم می شود و قضاوت آزاد، بدون تحمیل در داخل انسان که وجدان و باور درونی و جامعه قاضی می شود و اما در مسایل حقوقی و تخلف قوانین و اتهام در مورد از جانب حاکمیت اعمال فشار و دست قانون به قوت عمل می کند که در این صورت با هم کار سرچیه و واژگون است.

و هدایت مریدان آقای سید اسحاق گیلانی بالاتر از دست قانون عمل می کنند.

سؤال در این است که این مریدان و ملنگان اجنتان ای. اس. ای. اند و الهام از مریدان آن جنرالان زور و تفنگ سالاران در افغانستان می گیرند که در اتهامات بس جدی قضایای حقوقی افراد را به اختلاف ارگ با جنرال ... خلاصه کردند، کار جدا و بس تأسف بار با عواقب بد است.

و اما باید به صورت واضح گفت که آغاز تحقیق شخصیت کُشی و اثبات جرم نیست و آغاز تحقیق و جُستن عدالت می تواند ثابت سازد که اتهام وارده وارد نیست و شخص را بی گناه و بر سر افواه و غیر مستند متهم و شخصیت کُشی و دسیسه می کنند.

اما در کشور ما باز هم قواعد معکوس عمل می کنند و اینک دیده می شود که این متهم است که

تصمیم بگیرد به تحقیق کدام اتهام حاضر و به کدام نه شود؟

به یقین عدم حضور به تحقیق و عدالت قبل از بررسی اتهام اولی جرم و تخلف ثابت است و درین مورد یعنی عدم حضور به عدالت باید اول اقامه دعوی شود که فلان زورمند به عدالت حاضر نه شد و بعد در مورد اصل اتهام تحقیق گردد.

در کشور ما قرار تجربه همان قضایا را تحقیق و پیگرد دارند که شخص مورد نظر به اعدام و حبس دوام و بی سرنوشت ماندن مقصود باشد. تحقیق و به عدالت کشاندن زورمندان در سائر موارد یا اصلاً صورت نگرفته و یا اصلاً جالب نیست.

اتهام به صورت حتمی در حبس و توقیف گرفتن نیست و باید قبول کرد که توقیف عمل تدبیری و وقایوی است و به متهم به تخلف تا صدور حکم محکمه به صورت شخص بی گناه معامله و برخورد صورت می گیرد. حتی متهم به ارتکاب گناه اگر بنا بر ضرورت قانونی به توقیف گرفته می شود و در صورت حکم محکمه به بی گناهی و یا عدم ثبوت اتهام منجر می شود، دولت مکلف به پرداخت غرامات است.

در قضیه و اتهام آقای سید اسحاق گیلانی که به اتهام اظهارات خائنانه و ضد منافع کشور بدون مستندات به ضد منافع و مصالح کشور افغانستان قرار گرفته و عمل کرده، بهتر و قانونی است تا اتهامات را ثابت و مستند سازی کند و در صورت عدم اثبات معذرت خواهی و مسأله جزاء مطرح است که حتمی نیست اشد مجازات چنانچه عادت داریم، مطرح باشد.

مجازات از صد افغانی جریمه، توبیخ اخطار و توصیه و ... بوده می تواند. مهم این است که جامعه و جهان بدانند که حق چیست؟ و سخنان غیر مسؤولانه کدام اند؟

از حاکمیت کابل و مراجع عدلی و قضایی خواهانیم تا وظیفه و مسؤولیت خود را اداء کنند. تخلف کردن از قانون کاری است که باید نشود و نکردن کاری که باید شود. در هر دو حالت مراجع دولتی مکلف به اقدام قانونی اند، در غیر آن خود متخلف و مسؤول اند.

دیموکراسی و آزادی بیان زمانی مبتذل و مردود است که تحت حاکمیت، کنترول و نظارت قانون نباشد. یکی از عوامل نفرت ایجاد شده در برابر نام دیموکراسی همین عدم عمل مراجع عدلی و قضایی کشور در همچو قضایاست که زورمندان معافیت حقوقی گرفته اند.

عده ای گمان دارند و خود را برائت می دهند که گویا کاری نکرده اند. بلی همین کم کاری و یا نکردن کاری در زمانی که باید بکنند، خود عمل جرمی است.

بلی با تأسف مثال های هنگفت در زمینه در قضایای مختلف در افغانستان با لیست طویل و عریض در مورد در ۱۷ سال گذشته داریم!



قواعد و اصول سرچپه!